

بنا بر آخرین خبرهای ارسالی از ایران:

خودروهای زرهی و تجهیزات ضد شورش جدید پلیس در برخی از چهار راههای تهران مستقر شده اند.
درگیری در میدان هفت تیر، تیراندازی به سوی مردم در سعادت آباد

عادت‌ها به نام گذشت از تاریخ

مصاحبه با مهدی اصلانی

در پی درگذشت آیت‌الله منتظری چند فعال سیاسی و فرهنگی در مصاحبه‌ها و اطلاعیه‌ها تاتر خود را بیان کردند و از او با صفاتی چون " پدر حقوق بشر ایران" نام بردند. این به بحث درباره جایگاه تاریخی واقعی شخصیت‌ها دامن زده است.....
بقیه در صفحه ۵

کشتار وحشیانه‌ی مردم محکوم است ! کانون نویسندگان ایران

سازمان ما از تمامی جوانان و فعالین سیاسی و مدنی می‌خواهد در این لحظات حساس خانواده‌های دستگیر شده‌گان را تنها نگذاشته و در کنار آن‌ها در جلو زندان‌ها با تجمعات اعتراضی خواهان آزادی دستگیر شده‌گان شوند. می‌توان اعتراض به دستگیری‌ها را به یک حرکت گسترده‌ی اعتراضی تبدیل کرد و دستگاه سرکوب را در مقابل اراده‌ی خانواده‌های زندانیان سیاسی به تسلیم واداشت. ۸ دی ماه ۱۳۸۸ - ۲۹ دسامبر ۲۰۰۹

سی و هفت کشته

در روز عاشورا در سراسر کشور

مطابق خبر بولتن ویژه‌ی خیرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) تعداد کشته‌شدگان روز عاشورا در شهرهای مختلف ایران سی و هفت (۳۷) نفر بوده است.....
بقیه در صفحه ۴

هشدار، جمهوری اسلامی در پی کاربرد بمب شیمیایی و ترورهای وسیع در تهران است

محمود قزوینی
سایت تابناک در مطلبی در روز ۸ دی از کشف باندهای توزیع سلاحهای ویژه ترور در تهران خبر داده است....
بقیه در صفحه ۶

اعلامیه هیئت اجرایی سازمان

فرارسیدن سال نو میلادی مبارک باد

سال نو میلادی را به همه‌ی هموطنان مسیحی و تمامی ایرانیانی که در سراسر جهان این روز را جشن می‌گیرند، صمیمانه تبریک می‌گویم امسال در حالی سال میلادی را به پایان می‌بریم:....
بقیه در صفحه ۲

* دیدگاه *

نگاهی گذرا

به برخی از مشخصات جنبش اعتراضی مردم ایران

یوسف لنگرودی

جنبش توده‌ای علیرغم پیشروهای خود در برابر رژیم اسلامی، مخصوصا در روزهای اخیر، توانایی و تنفر خود را در جریان روزهای تاسوعا و عاشورا از کل رژیم به نمایش گذاشت..
بقیه در صفحه ۲

* دیدگاه *

تاثیر وقایع داخل بر ایرانیان خارج از کشور

ناهید حسینی

اوضاع کنونی در ایران، به شکل محسوسی تأثیرات خاص خود را بر فکر و ذهن و زندگی روزمره ما ایرانیان تبعیدی گذاشته است. بقیه در صفحه ۳

اینجا ایران است :

محدودیت‌های بی سابقه اطلاع‌رسانی در سرزمین

آزادی‌های نزدیک به مطلق!

در کشوری که محمود احمدی نژاد رییس دولت حاضر برای آن ادعای آزادی نزدیک به مطلق را دارد، دسترسی به ساده‌ترین روش‌های اطلاع‌رسانی برای مردم با محدودیت شدید روبرو است.
بقیه در صفحه ۴

گزارش یکی از مادران عزادار از روز عاشورا

عاشورا ؛ امروز مردم نشان دادند که به هر آنچه بخواهند میتوانند دست یابند و اکنون به نقطه‌ای رسیدند که میگویند ولایت را نمیخواهند !
بقیه در صفحه ۴

اعلامیه هیئت اجرایی سازمان

فرارسیدن سال نو میلادی مبارک باد

سال نو میلادی را به همه ی هموطنان مسیحی و تمامی ایرانیانی که در سراسر جهان این روز را جشن می گیرند، صمیمانه تبریک می گوینم. امسال در حالی سال میلادی را به پایان می بریم: که جنبش نوپای ضداستبدادی ایران، جوانه های زیبای دنیایی بهتر را به سراسر جهان مخابره کرده است؛

که مردم ایران با شعار "دین از سیاست جداست"، نه تنها خواهان جدایی دین از دولت، بلکه از آزادی داشتن یا نداشتن دین و آزادی اعتقاد به هر مذهبی دفاع می کنند. این شعار، اعتراض روشنی نیز هست به سرکوب خشن و وحشیانه ی مذاهب غیررسمی و اقلیت های ملی - فرهنگی در جمهوری اسلامی ایران. فشار بر هموطنان مسیحی نیز امری نیست که از چشم جهانیان دور مانده باشد؛

امسال در حالی سال میلادی را به پایان می بریم: که مبارزه ی متحد مردم ایران، چرخه های امید برای مبارزه ی همبسته کارگران و زحمتکشان و دیگر اقشار مردمی بی توجه به جنسیت، ملیت، مذهب و اعتقادات شخصی شان، حتی صفوف معتقدان به همه ی مذاهب علیه استبداد دینی را از خود نشان داده است. وقتی آرامنه ی اصفهان شب ها بر سر بام خانه هایشان فریاد "الله اکبر" را با لهجه خودشان سر می دهند، و مورد سرکوب سپاه دین قرار می گیرند، همین همبستگی مردمی را بیان می کنند؛

امسال در حالی سال میلادی را به پایان می بریم: که مبارزات شکوهمند مردم ایران برای آزادی، و علیه دیکتاتوری در ۳۰ خرداد، ۱۸ تیر، روز قدس، ۱۳ آبان، ۱۶ آذر، و روز عاشورا، و انعکاس این مبارزات شورانگیز با اتکا به خیرنگار - شهروندی بی نظیر و تحسین برانگیز به سراسر جهان، همبستگی جهانی با مردم ایران را به باشکوهترین نشان همبستگی انسانی تبدیل کرده است. حالا جهانیان، چهره دیگری از ایرانیان را مشاهده می کنند. چهره ای که اگر با آگاهی و تشکل و هوشیاری همراه شود می تواند چهره ای برای دفاع از شور زندگی، از همبستگی انسانی، از برابر حقوقی زن و مرد، از برابر حقوقی همه مردمان بی توجه به نژاد، رنگ پوست، ملیت، فرهنگ، جنسیت، اعتقادات و از فرصت های برابر برای رشد، از حق تعیین سرنوشت خلق های تحت ستم، از حق کارگران و زحمتکشان که زیر ستم استثمار سرمایه کمر خم کرده اند، برای داشتن شرایط زندگی شایسته ی انسان و بهره مندی کامل از ارزش های تولید شده از نیروی کارشان، باشد. این چهره ی زیبا و جدید از مردم ایران که با شمشیر استبداد دینی به خون آغشته شده، همدردی و همراهی همه آزادیخواهان و برابری طلبان را برانگیخته است.

و امسال در حالی سال نو میلادی را آغاز می کنیم: که امید داریم که جنبش ضد دیکتاتوری مردم، بتواند با گسترده تر کردن دامنه ی خود، با کشتادن بخش های هر چه بیشتری از مردم به صفوف خود، بر قدرتمندی و شکست ناپذیری خود بیافزاید و تیغ سرکوب را کندتر کند. و امسال در حالی سال نو میلادی را آغاز می کنیم: که امید داریم مبارزات سیاسی - عمومی مردم ایران، با جنبش های مطالباتی کارگران و زحمت کشان و دیگر اقشار جامعه پیوند خورده و مبارزات ضداستبدادی را به مبارزات ضداستثمار پیوند زده و آزادی های سیاسی را با فرصت های اجتماعی برابر عجین کرده و آینده ی رزم پرشور مردمی را تضمین کند.

و امسال در حالی سال نو میلادی را آغاز می کنیم: که امید داریم، جنبش نوپای ضداستبدادی مردم ایران بتواند با سازمانیابی و متشکل شدن، روی پاهای خود، استوار بایستد و حق تعیین سرنوشت خود را با سازمان دهی ارگان های قدرت توده ای، در دست های توانای خود بگیرد و این فرصت را به موج سواران حرفه ای ندهد که همواره در پی فرصتی هستند که مبارزات مردم را به نردبان ترقی خود تبدیل کنند.

که امید داریم جنبش انقلابی مردم ایران، فرصت را از ماجراجویان اسلامی حاکم بر کشور بگیرد که شرایط را برای دخالت و طمع سلطه گران خارجی فراهم آورد و با زمینه ی تحریم های شدید علیه ایران را آماده سازد. امری که عواقب سنگین آن را مردم ایران باید بپردازند.

و در پایان یک بار دیگر فرارسیدن سال نو میلادی را به همه ی آن هایی که این روز را جشن می گیرند تبریک می گوینم و برایشان روزهای شاد و پر نشاط در سال جدید آرزو می کنیم.

سرتیون باد جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی زنده باد سوسیالیسم

هیئت اجرایی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)

۱۰ دی ماه ۱۳۸۸ - ۳۱ دسامبر ۲۰۰۹

* دیدگاه *

نگاهی گذرا به برخی از مشخصات جنبش

اعتراضی مردم ایران

یوسف لنگرودی

جنبش توده ای علیرغم پیشروهای خود دربرابر رژیم اسلامی، مخصوصا در روزهای اخیر، توانایی و تنفر خود را در جریان روزهای تاسوعا و عاشورا ازکلیت رژیم به نمایش گذاشت. هنوز در سربالایی قرار گرفته و حکومت هنوز از امکانات زیادی برای ادامه حاکمیت خود برخوردار است. به نظرمی رسد؛ ستون اصلی جنبش اخیر، طبقه متوسط و دانشجویان ولایه های مختلف شهری اند. این جنبش هنوز نتوانسته لایه های تهیدست و پیا برهنه گان را که توانایی ویرانگران، علیه رژیم سلطنتی به روشنی مشاهده شده بود، به میدان آورد و با آن فاصله دارد. این درحالی است که رژیم با تلاش زیاد هنوز بخش هایی از این لایه ها را که در فروتنی و عقب ماندگی دست و پا می زند با پول خرج کردن به خدمت خود می گیرد و از آن بعنوان چماق سرکوب علیه همین جنبش توده ای نهایت استفاده را می کند.

مهم تر از موارد بالا، فقدان اعتصابات عمومی کارگران در بخش های مهم صنعتی، مخصوصا در بخش های استراتژیک صنعت نفت است. همچنین کمبود این حربه اعتصاب را در محیط های کارمندی و بخش خدمات شهری نیز می توان مشاهده کرد. رژیم اسلامی با تجربه ای که از انقلاب سال ۵۷ و اعتصابات کمر شکن کارگران صنعت نفت دارد، در تمامی این سالها دست به اقدام گسترده پاکسازی سرکوبگرانه ای برای مهار و خفه کردن مبارزات کارگران در بخش های کلیدی زده است. رژیم علیرغم بحران همه جانبه اقتصادی، هنوز از امکانات مالی بالایی برخوردار است و چرخ اقتصادی کشور بدون هیچ تهدید مهمی با اتکاء به دلارهای نفتی دارد می چرخد. گذشته از موارد بالا، رژیم همچنان از ارگان های سرکوب قابل اتکایی برخوردار است که هنوز مستحکم و قوی بنظرمی رسند و بدون بحران و انشقاق در آن ارگانهای سرکوب، حکومت گران لاقابل امروز این امکان را خواهند داشت که جنبش توده ای را در جایی خودش بنشانند و لاقابل با تهدیدات آن، هنوز از موضع قدرت و سرکوب، با پیشروی مردم معترض مقابله کنند.

از همین روجه نظرمی رسد؛ بدون شکاف و بحران در ارگانهای سرکوب رژیم، تسلیح عمومی جنبش آزادیخواهانه به مرحله عمل نخواهد رسید و اگر برسد، احتمال به موفقیت رسیدن آن ضعیف خواهد بود. به این موارد یک نکته بسیار مهم را باید یاد آور شد. کشور ما یک کشور چند ملیتی است. بدون وارد شدن آنها در متن مبارزه علیه رژیم، این جنبش از شناسن موفقیت زیادی بر خوردار نخواهد بود و نخواهند توانست توانا گردند. همه مواردی را که در بالا برشمردیم، برای موفقیت این جنبش لازم و برخی شان تعیین کننده اند. این جنبش باید بتواند در بیشتر این جبهه ها، رژیم را به مبارزه بطلبند و سرانجام آن را به زانو در آورد. در غیر اینصورت ممکن است در همین سطح - حال یا کمی قوی تر و یا کمی ضعیف تر - باقی ماندن در این صورت اگر توسط رژیم در هم کوبیده نشود، یک حالت فلج کننده و بن بست، بین رژیم و مردم بوجود خواهد آمد که با توجه به امکانات هنوز قدرتمند رژیم، خطر آن وجود دارد که در درازمدت این جنبش از نفس بیفتد و نتواند از یک جنبش و شورش اعتراضی به یک قیام عمومی و نهایت انقلاب مردمی که رژیم اسلامی را براندازد، تبدیل شود.

۳۱ دسامبر ۲۰۰۹

درگیری در میدان هفت تیر

تیراندازی به سوی مردم در سعادت آباد

روشنگری: خبرهایی که از تهران می رسد حاکی از آن است که درگیری میان نیروهای نظامی مستقر در میدان هفت تیر و مردم ادامه دارد. از سعادت آباد خبر رسیده است که نیروهای امنیتی به سوی مردم تیراندازی کرده اند. اوضاع در تهران غیرعادی است. خبر دیگری حاکی از آن است که به دنبال اعتراض دانشجویان دانشگاه آزاد پنج تن از معترضان از سوی نیروهای امنیتی رژیم دستگیر شده اند.

۱۰ دی ۱۳۸۸ - ۳۱ دسامبر ۲۰۰۹

* دیدگاه *

تأثیر وقایع داخل بر ایرانیان خارج از کشور

تأهید حسینی

اوضاع کنونی در ایران، به شکل محسوس تأثیرات خاص خود را بر فکر و ذهن و زندگی روزمره ما ایرانیان تبعیدی گذاشته است. زندگی در محیط آرام خارج، رعایت قانون، منظم و مسنول بودن در سرکار، این امکان را فراهم کرده بود تا از جنگ، خشونت، اعدام و درگیری ها دور و بیزار باشیم. ولی در چند ماهه اخیر، هر کدام کم و بیش شاهد تغییراتی هستیم که ناشی از تأثیر این دوران گذر در کشورمان میباشد. من در اینجا بطور خلاصه به چهار موضوع اشاره میکنم :

۱- مجموعاً خانواده هایی که بیشتر از ۲۵ سال را در تبعید میگذرانند دارای فرزندان هستند که به دلایل روشن، بیشتر فرهنگ کشور میزبان را تجربه کرده اند تا فرهنگ ایرانی را، اما نکته جالب اینجاست که همین جوانان زیر ۲۵ سال، در شرایط کنونی تغییرات مثبتی در جهت گرایش به اوضاع داخل، علاقمندی به سلامت فامیل در داخل، مطالعه در مورد ایران، آشنایی با حکومت شاه و خمینی پیدا کرده اند. با احساس مسئولیت، برای تظاهرات مقابل سفارت جمهوری اسلامی حاضر می شوند و علیرغم شاهد بودن درگیریهایی خطی و سیاسی، کوتاه نمی آیند، شعار را با صدای بلندتر تکرار میکنند، حتی اگر معنی آنرا نفهمند. بسیاری از آنها خود را آماده کرده اند تا برای خدمت به کشورشان پس از تغییر اساسی اوضاع به وطن باز گردند. بعضی از آنها سرگرم پس انداز کردن پول هستند تا در ایران مشکل مادی نداشته باشند، در اندیشه برنامه ریزی هستند که در چه عرصه هایی بیشتر میتوانند مفید باشند.

۲- نکته دوم اینکه اکثریت ایرانیان وابسته به گروههای سیاسی اپوزیسیون در خارج از کشور تا قبل از جریان انتخابات، هریک آب در هاون کوبیده و دشمن خود را نه در ایران بلکه در میان جریانات رقیب خود میجستند و وزارت اطلاعات ولی فقیه نیز با اختصاص امکانات کافی و سرمایه و نیرو، هم از طریق گفتمان سازی و هم از طریق عوامل مستقیم خود در میان آنها ویا در فضای سایبری و مجازی اینترنت به تفرق و دشمنی بشکل گسترده ای دامن میزد. گرچه این تلاشهای حکومت با حداکثر نیرو، همچنان ادامه دارد ولی اکنون میتوان چرخش مثبتی را درمناسبات برخی از جریانات متعلق به اپوزیسیون شاهد بود. اکنون شاهدجنب و جوش مثبت قابل توجهی در میان بخشی از اپوزیسیون هستیم که سالها از آن خبری نبود. نکته قابل ملاحظه اینکه تغییر و تحولات فکری در ایجاد شفافیت و صراحت نظری سرعت گرفته است.

بخصوص کسانی که به نحوی از انحا در گذشته با رژیم همکاری داشته ویا به نحوی از آن حمایت میکردند، امروز از آن فاصله گرفته و عملاً در صف اپوزیسیون قرار گرفته اند، مثل دکتر سروش و آقای مهاجرانی. دو گرایش عمده در بین ایرانیان وجود دارد که در واقع میتوان گفت همه خواستار جدایی دین از حکومت هستند ولی بر سر شیوه رسیدن به آن باهم اختلاف نظر دارند، گروهی هنوز به قول مهندس بازرگان باران می خواهند نه سیل و گروه دیگر پایان جمهوری اسلامی را خواستارند. ۳- نکته سوم که قابل بررسی بیشتری است تأثیر وقایع اخیر بر رفتار و تفکرات و حالات روحی و روانی ایرانیان خارج از کشور است، واقعیت اینست که علیرغم حرکت مسالمت آمیز جنبش سبز در تمام فعالیتهایی که تا بحال داشته اند، برخورد وحشیانه و غیر انسانی رژیم حاکم، حس تنفر و انزجار را در همه بوجود آورده است، پایان دو هفته ایام خوش و امیدوارکننده ایرانیان با شرکت در انتخابات به امید ایجاد اندکی تغییر در جامعه با کودتا بنفع احمدی نژاد و دستور کشتار از سوی خامنه ای آغاز شد، نطفه نفرت از رژیم در آنجا بسته شد، نا امیدی و افسردگی جای خود را به مبارزه برای گرفتن حق داد، میلیونها نفر به خیابانها ریختند و خواستار پس گرفتن رأی خود شدند، جواب آنان گلوله، اعدام و تجاوز بود. مردم خشمگین شدند، موج همین روحیه در داخل بر زندگی ما در خارج نیز سایه انداخت.

با دیدن ویدیو کلیپهای که از ایران میرسد، بارها و بارها گریسته ایم، مشت ها را گره کرده ایم، از وقاحت و حیوان بودن لباس شخصی ها ابراز انزجار کرده ایم، به در سفارت جمهوری اسلامی رفته و بر علیه این برخورد ها شعار داده ایم، ابتدا حتی سخت بود که بگوییم مرگ بر کسی، حتی نوشتیم «مرگ بر هیچکس»، شعار سرنگونی نادایم، حتی پلیس مطمئن بود که ما به سفارت جمهوری اسلامی حمله نخواهیم کرد، مگر ما چی میخواستیم؟ ماهها منتظر بودن، بلکه خامنه ای صدای مردم را بشنود، ولی هرگز نشنید، شاه عاقلتر بود، صدای انقلاب مردم را شنید، ولی برای پذیرش مردم دیگر دیر شده بود.

۳۰ سال تحقیر نسبت به مردان و زنان نجیب ایران و ۳۰ سال تحقیر برای ما ایرانیان خارج از کشوردیگر به نظر میرسد به انتها رسیده باشد. حکومت ولی فقیه به دست خود یک بیک درب هرگونه مامشات و سازشی را بین خود و مردم از بین میبرد. این حکومت با تداوم کشتار مردم در روز عاشورا، یک گام دیگر به دوقیضه کردن سند مرگ خود نزدیکتر شده است.

۴- امروز، آیا ما همان افراد قبل از روز عاشورا هستیم؟ یا خود روراست باشیم. این جنبش وارد فاز جدیدتری شده است، مردم در روز عاشورا مهر عدم پذیرش حکومت را بر پیشانی حاکمیت زدند. تمام دنیا این پیغام را گرفت، حتی اگر امروز خامنه ای بگوید صدای مردم را شنیده است، کمتر کسی آنرا باور خواهد کرد، حتی ممکن است به قول مخلیف به جای سربازان آمریکایی که صدام را ازسورخ مخفی گاهش بیرون کشیدند، این بار جوانان ایرانی خواهند بود که با تاباندن چراغ قوه بصورت شگفت زده وترس آلود او، حضرتش را از سورخ مخفی گاهش بیرون خواهند کشید البته اگر به روسیه فرار نکنند. این موج تغییر بطور طبیعی تأثیرات رفتاری خاصی را به همراه می آورد، مرگ بر خامنه ای شعار اصلی معترضین داخل و خارج میشود، سوزاندن پوستر خامنه ای، زیر پا گذاشتن و لگد کوبیدن بران، هم احساس قدرت و هم آرامش ایجاد میکند.

ما همگی میدانیم که پیشینیان ما، طبق تجربه، قبل از رفتن به جنگ وشکار ابتدا وطی مراسمی مملو از رقص وپایوبی وهیجان به تمرین دست میزدند وحتی به تصویر شکار خود که روی زمین کشیده بودند تیری میدانداختند و آنرا از آن خود میکردند. این مراسم همیشه قبل از شکار تکرار میشد وبه مردم قوت قلب و آمادگی میداد. این مراسم هنوز هم در بسیاری از جوامع انسانی به شکل ابتدایی آن ادامه دارد ودرجوامع امروزی هم جای خود را به کلاسهای آموزشی وتمرین مستمر داده است.

اما از سوی نیروهای سرکوبگر بسیج و سپاه و لباس شخصی ها، آموزشها و تمرینات لازم برای دستگیری، سرکوب و کشتن معترضین قبلاً بخوبی انجام شده است. بسیاری از ماها در همین ۶ ماه گذشته نوارهای متعددی را که از جلسات آموزشی و هماهنگی و تمرین آنها بیرون آمده، دیده و شنیده ایم. اما در سوی دیگر مردم نیز تمرین خود را برای رسیدن به خواستهها و حقوق انسانی خود در تظاهرات خیابانی انجام میدهند. تند ترین شعارها و رفتار مردم معترض اغلب در غالب مرگ بر دیکتاتور وپاره کردن و سوزاندن عکس احمدی نژاد ویا خامنه ای تبارز یافته است. اگر شدت عملی در رفتار مردم مشاهده شده صرفاً برای دفاع از خوددر مقابل حملات بیرحمانه مامورین سرکوب ویا رها کردن افراد دستگیر شده ویا زیر باتون مامورین ویا برای فراری دادن آنها که به بسوی مردم شلیک میکردند بوده است. اما با دریغ باید گفت این روزها ناله های مفهوم و نامفهوم عجیبی را در سوی اپوزیسیون خارج میشنومیم که من غیر مستقیم مردم را به خشونت متهم میکنند. برخی از اینان کسانی هستند که جهت داشتن جایی بسیار کوچک برای رفت و آمد به کشور ویا نیم نفسی در چهارچوب نظام کنونی تمام سرمایه سیاسی خود را به کار انداخته بودند، ولی جنبش مردم از راه رسید و خواب وخیال های خوش آنان دچار آشفتگی شد. آنان در جو کنونی خجالت میکشند که از مردم بخواهند در خانه های خود بمانند ودر حالیکه حرکت ۶ ماهه اخیر صلت کاملاً مسالمت جویانه تظاهرات مردمی را در انتظار جهانیان به واضح ترین شکل ممکن به نمایش گذاشته است، اینان به شکل عجیبی اصرار میکنند که مردم باید مسالمت آمیز رفتار کنند. این اصرار در حدی است که انسان در میماند مخاطب این دوستان چه کسانی هستند. همه یادمان هست که مسالمت آمیز ترین خیزش میلیونی مردم در روزهای بعد از انتخابات با چه سببیتی سرکوب گردید وحد اقل دهها کشته و هزاران زخمی و زندانی بر جای گذاشت. در آن روزها هیچ کس نه شعار مرگ بر دیکتاتور میداد و نه عکس خامنه ای را زیر پا له میکرد. از آنهنگام به بعد رفتار مسالمت آمیز مردم علیرغم آن سرکوبهای افزاینده و تداوم اعمال غیر انسانی مامورین حکومتی همچنان بطور ثابت ادامه یافته است.

حقیقت این است که این دوستان معترض مردم حق دفاع فردی را به هیچ وجه به رسمیت نمیشناسند. آنان دادو فریادهای بسیاری را در مورد دفاع از اصول حقوق بشر سر میدهند ولی وقتی نوبت مردم معترض ایران در تظاهرات میرسد از یاد میبرند که حق تظاهرات آرام حتی در همین قانون اساسی جمهوری اسلامی هم به رسمیت شناخته شده. آنان عمداً فراموش میکنند که حق دفاع از خوددر برابر زور و تجاوزبرای زنده ماندن و زندگی ودر واقع حق زندگی زنده بودن بنیادینترین و مهمترین اصل مربوط به حقوق بشر است. سخن کوتاه کنم اگر مردمی که جز شعارورفتاری کاملاً مسالمت آمیز مورد هجوم وحشیانه لباس شخصیها و انواع و اقسام مامورین سرکوب قرار میگیرند و برای رهایی از مهلکه

ترس و تجاوز و شکنجه و زندان و مرگ فرار را بر قرار ترجیح داده و گاه دست به سنگ و چوب میبردند طبیعی ترین و انسانی ترین عکس العمل ممکن را از خود بروز میدهند. این رفتار چه از نظر انگیزه و چه از نظر خصلت کوچکترین فرابتی با اعمال خشونت آمیزی که سرکوبگران و قاتلان مردم از خود بروز میدهند ندارد.

به قول یک شاهد عینی در روز عاشورا، حتی نگاه کردن به مأموران انتظامی، نتیجه اش حداقل چند فحش رکبک و باتون و اسپری فلفل تو صورت بود. زیر کردن یکی از معترضین بوسیله ماشین مشخص نیروی انتظامی و صدای جیغ و فریاد شاهدان، حتی یک انسان آهنین را به خشم وا میدارد، آیا در بدن آن جانی، قلبی انسانی وجود داشت؟ کسانیکه ویدیو کلیپ این جنایت را دیده اند و گزارش سرتا پا دروغ سردار رادان را از صدا و سیما شنیده اند، واقعا در آن لحظه احساس نکردند که نزدیک است دچار حمله قلبی شوند؟ با فداقت ترور خواهرزاده میرحسین موسوی را مرگ مشکوک اعلام میکنند و حتی شریعتمداری کیهان آترا کار خود میر حسین موسوی اعلام میکند، آیا دیگر جایی برای خوشبینی به راهی کم هزینه درپروسه آتی باقی میماند؟ در حالیکه وقتی یکی از بسیجی ها بوسیله مردم دستگیر میشود، بسیاری از مردم شعار میدهند که ولش کنید، خوب به چه حقی و چرا باید این مردم بوسیله رادان ها مورد تمسخر قرار بگیرند؟

یکی از شرکت کنندگان روز عاشورا میگوید «من و شوهرم در ماشین نشسته بودیم، حرکت به کندی انجام میگرفت، گروهی ۱۵ نفره از نیروی انتظامی به همراه موتورهایشان راه را بسته و به شکل خطرناکی خود را برای حمله و کشتار و بزن و بگیر آماده میکردن... به شوهرم گفتم چطور است برای رهایی از افتادن به دستشان و قبل از اینکه به ما حمله کنند، با حرکت ماشین به سمتشان آنها را بترسانیم و فرار کنیم، ما سرگرم صحبت بر سر چگونگی انجام این کار بودیم که به ناگاه ماشینی که زنی راننده آن بود، بطرف موتورها حرکت کرد، مأمورین موتورها را رها کرده و در حالیکه با مردم درگیر شده بودند، به گوشه ای خزیدند» با خود فکر کردم در آن لحظه چند نفر دیگر به این حرکت فکر کرده بودند؟

من که تا چند ماه پیش توانایی دیدن یک صحنه خونین در فیلمها را نداشتم، امروز براحتی همه صحنه های کشتار مردم میهنم را نگاه می کنم، انگار با آنها میمیرم و زنده میشوم، از دیدن حمله مردم سیرجان برای آزادی دو اعدامی هورا میکشم، همیشه از چاقو و حتی اسمش بدم آمده است، ولی بعد از دیدن صحنه پاره کردن طنابهای دار از گردن محکومین، فکر کردم «چاقو هم گاهی میتواند مفید باشد».

وقتی یک مأمور انتظامی با خشونت تمام موهای پسری را با شدت کشیده و گردنش را بیچاند و شیرزنی محکم بر دست او کوفت و جوان موفق به فرار شد با تمام وجودم گفتم «دستت درد نکند».

این تغییر روانی و رفتاری، زمانی به آنجا میرسد، که تو مجبور به دفاع از خود میشوی و این در قاموس هیچ مکتب انسانی، نه تنها قابل سرزنش و بازخواست نیست بلکه مستحق حمایت است. ننگ بر آن مزدوری باد که نامردانه دست روی هموطن خود دراز میکند و شرم بر کسالتی باد که دفاع هموطن خود از جان و حق زندگی را خشونت و انمود میکند. بخوبی میدانم اگر موسوی و کروبی نیز دستگیر شوند، این رژیم در عاشورا گور خود را با دست خود کنده است، این جنبش مردمی را دیگر با هیچ قدرتی نمیتوان از پا در آورد. گذشته همه جنبشهای مردمی، آترا نشان داده و آینده جنبش ما یکبار دیگر آترا نشان خواهد. بی هیچ تردیدی در پایان این شب سیاه، روشنائی در انتظار ماست. ۹ دی ۱۳۸۸

عکس- واردات خودروهای زرهی و تجهیزات ضد شورش جدید پلیس!



۱۰ دیماه ۱۳۸۸ - ۳۱ دسامبر ۲۰۰۹

اینجا ایران است :

محدودیت های بی سابقه اطلاع رسانی در سرزمین آزادی های نزدیک به مطلق!

کلمه: در کشوری که محمود احمدی نژاد رییس دولت حاضر برای آن ادعای آزادی نزدیک به مطلق را دارد، دسترسی به ساده ترین روش های اطلاع رسانی برای مردم با محدودیت شدید روبرو است. در کنار قطع موبایل، اینترنت، پیامک، تحدید، تهدید و توقیف مطبوعات، بازداشت خبرنگاران و روزنامه نگاران ارسال اخبار بر روی سایت ها هم تقریباً دیگر ناممکن شده است.

اینجا ایران است. «سرزمینی با آزادی های نزدیک به مطلق» البته به گفته محمود احمدی نژاد!

به گزارش کلمه متاسفانه در روزهای اخیر در پی حوادث رخ داده در عاشورای حسینی که منجر به شهادت تعدادی از هموطنان عزیزمان از جمله فرزند خواهر مهندس میر حسین موسوی و بی حرمتی به عزاداران حسینی در روز عاشورا شد، محدودیت شدید و بی سابقه ای برای جریان اطلاع رسانی ایجاد گردید تا برخی به زعم خود به هر نحوی که دوست دارند اخبار راست و دروغ را به ملت تحویل دهند. این محدودیت ها از شب عاشورا آغاز شد و همچنان ادامه دارد.

محدودیت در اطلاع رسانی در شرایطی ادامه دارد که در روزهای اخیر جمع گسترده ای از فعالان سیاسی مدنی و روزنامه نگاران بازداشت شده و شنیده ها حکایت از وجود لیست صدها نفره دیگری برای ادامه بازداشت ها دارد.

سایت کلمه پیش از این با ارسال خبری در مورد اهداف برخی دربر پا کردن کارناوال عاشورا در روز جمعه و روز عاشورا خبر داده بود و به نظر می رسد در همین راستا و برای جلوگیری از اطلاع رسانی صحیح به مردم محدودیت های شدید برای جریان اطلاع رسانی در کشور ایجاد گردید.

البته دولتمداران فعلی از شب انتخابات ریاست جمهوری و حوادث پس از آن نشان داده اند که قبل و بعد از وقوع هر حادثه ای اولین کار آنها قطع کردن اینترنت، جریان اطلاع رسانی و هرگونه کانال ارتباطی مردم با یکدیگر است. شیوه ای که خوشبختانه برایشان سودی هم در بر نداشته و صرفاً تائیدی بر اقدامات خلاف قانون و تلاش های بی ثمر آنها بوده است.

سایت کلمه ضمن عذر خواهی از مخاطبین خود به دلیل مشکلاتی که در روزهای اخیر در ارسال به موقع و متناسب شرایط فعلی به دلیل حملات شدید به سایت از نقاط مختلف دنیا که ارسال خبر از نقاط مختلف جهان بر روی سایت را با مشکل مواجه کرده است اعلام می کند تمام تلاش خود را برای اطلاع رسانی شفاف و به هنگام به مخاطبان خود به کار خواهد گرفت و اجازه نمی دهد فعالیت خبری و اطلاع رسانی شفاف دچار اختلال گردد. ۸ دی ۱۳۸۸

.....
بولتن ویژه ایرنا:

سی و هفت کشته در روز عاشورا در سراسر کشور

جرس: مطابق خبر بولتن ویژه خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی ایران (ایرنا) تعداد کشته شدگان روز عاشورا در شهرهای مختلف ایران سی و هفت (۳۷) نفر بوده است. به گزارش جرس از نقاط مختلف کشور شواهد قطعی نشان می دهد که هدایت تظاهرات به سمت خشونت و آتش زدن اتومبیل پلیس و ... از سوی مأموران حکومت برنامه ریزی شده بوده است. روز عاشورا و پیش از آغاز تظاهرات یعنی حدود ساعت ده صبح تمام منطقه امام حسین تهران در تسخیر کامل نیروهای نظامی و لباس شخصی ها بود. در حالی که مردم در پیاده روها حضور داشتند. موتورسوارهای بسیج با باتوم مأمور می دادند و با بلند انگشتشان را به عنوان پیروزی به مردم نشان می دادند تا مردم را تحریک کنند. خشونت با ضرب و شتم وحشیانه مردمی آغاز شد که حتی شعار هم نمی دادند و در پیاده روها راه می رفتند، همچنین وحشیانه به اتومبیل هایی که در خیابان بودند حمله می کردند. هدف از این برنامه آن بوده است که پس از عاشورا تبلیغات سهمگین و شدیدی را آغاز کرده و فضای لازم برای دستگیری گسترده فراهم آوردند تا به زعم خود «فته» را به طور کلی جمع کنند .

.....

عادتی به نام گذشت از تاریخ • مصاحبه با مهدی اصلانی برگرفته از دیچه وله



در پی درگذشت آیتالله منتظری چند فعال سیاسی و فرهنگی در مصاحبه‌ها و اطلاعیه‌ها تأثر خود را بیان کردند و از او با صفاتی چون "پدر حقوق بشر ایران" نام بردند. این به بحث درباره جایگاه تاریخی واقعی شخصیت‌ها دامن زده است.

از زمان درگذشت آیتالله منتظری فعالان سیاسی و فرهنگی از طیف‌های گوناگون با انتشار اطلاعیه یا حین صحبت در مصاحبه نشان دادند که برای این فقیه شیعه احترام بسیار قائل‌اند و از درگذشت وی متأثر شده‌اند. اما به نظر برخی از فعالان حقوق بشر، اظهار نظرها درباره آقای منتظری گاه غلوآمیز بوده، بیانگر جوانب گوناگون زندگی آیتالله منتظری نبوده، و تنها بخشی از تاریخچه حیات او را بازتاب می‌دهد.

از جمله مهدی اصلانی، فعال حقوق بشر، در مقاله‌ای با عنوان "درگذشت آیتالله منتظری؛ بازنگری‌ای نادقیق به یک رخداد تاریخی" که در سایت اینترنتی "گویانویز" منتشر شده، به این موضوع پرداخته است. **دویچه وله:** آقای اصلانی، شما یکی از جان به‌دربرندگان از کشتار زندانیان سیاسی در تابستان ۱۳۶۷ هستید. در کتاب خاطرات زندان‌تان "کلاغ و گل سرخ"، به آقای منتظری نیز پرداخته‌اید. ایشان برای شما چه جایگاهی داشتند؟



مهدی اصلانی: راست آن است که آیتالله منتظری را ما به شهادت کارنامه پرتلاطم سیاسی زندگی‌شان، در ارتباط با ماجرای زندان، انسان مهرورز و مهربانی بدانیم که بعد از تغییر و تحولاتی که در سطح جامعه اتفاق افتاد و پس از برکناری اسدالله لاجوردی و حاج داوود رحمانی از دو زندان اوین و قزل‌حصار، از آغاز سال ۱۳۶۴ به این سو، هینت و تیمی که بسیاری از آنان از منصوبین خود آیتالله منتظری بودند، دست به یک سری رفرم‌ها در زندان زدند.

پس از آن، مهم‌ترین وجه زندگی سیاسی آیتالله منتظری را شاید در ماجرای اعدام‌های تابستان ۱۳۶۷ بشود دید. جایی که ایشان به آنچه که فکر می‌کردند درست است عمل کردند، با آن حکم غیرانسانی مقابله کردند و توان آن را هم پرداخت کردند.

دویچه وله: زمانی که در زندان بودید از فعالیت‌های آیتالله منتظری برای زندانیان سیاسی و تأثیر آن شنیده بودید یا اینکه بعداً از فعالیت‌های ایشان باخبر شدید؟

مهدی اصلانی: از سال ۱۳۶۴ تا ۱۳۶۵، در دوره‌ای که در زندان قزل‌حصار بودم، کسانی از منصوبین آیتالله منتظری، از جمله شخصی به نام حجت‌الاسلام ناصری، به زندان می‌آمدند که مسایل صنفی و حقوقی زندانیان را پیگیری می‌کردند. ایشان می‌گفتند که از آقای منتظری برای بهبود وضعیت زندگی زندانیان نمایندگی دارند. این حدی بود که در آن سال من شخصا مشاهده کردم. اما نه من و نه دیگر زندانیان از آنچه در تابستان سال ۶۷ اتفاق افتاد، در آن لحظه نمی‌توانستیم مطلع باشیم. خود من پس از آزادی از حبس، به ساز و کار آن اعتراض و آنچه در آن سال اتفاق افتاد، پی بردم.

دویچه وله: در مقاله‌ای که روز شنبه، ۵ دی، منتشر کرده‌اید، به موضوع‌گیری‌های غلوآمیز در پیام‌های تسلیت برای آقای منتظری انتقاد

دارید. برای نمونه "پدر حقوق بشر ایران" خواندن ایشان را نقد کرده‌اید. ممکن است در این باره کمی توضیح بدهید؟

مهدی اصلانی: به باور من، ایشان یک چهره‌ی حقوق بشری نبودند و هرگز نمی‌توانستند باشند. ایشان هیچ‌گاه نمی‌توانستند به مقتضای تخصص و کسوت‌شان و به عنوان یک فقیه در این جایگاه قرار بگیرند. اساساً فقه شیعه با حقوق بشر تعارض بنیادین دارد.

ایشان غمخوار انسان بودند و مهربانی در ذات داشتند؛ اما این مهرورزی و غمخواری انسانی با جهان‌نگری ایشان به‌شدت در تعارض بود. به‌ویژه هنگامی که این جهان‌نگری در یک نبرد آلوده‌ی قدرت درگیر می‌شود و در کنار ماده‌ی منفجره‌ای که اسلام سیاسی نام دارد و مقابل هم‌مان است، قرار می‌گیرد. ایشان به چارچوب حاکمیت اسلامی تا آخرین روز حیات‌شان معتقد بودند، اما به سیاست‌هایی در آن چهارچوب معترض بودند.

اعتبار آیتالله منتظری در آن است که زمانی که اعتراض داشت، در بیان آن تردید نکرد. ایشان هرگز از قدرت کنارگیری نکردند، هرچند با توجه به روحیاتی که از مقتدای خود سراغ داشتند، این خطر را متوجه بودند و می‌دانستند که این اعتراض می‌تواند منجر به کنارگیری ایشان شود.

اما آنچه من در ارتباط با فضای سبزده‌ی روزهای اخیر مشاهده کردم، که منجر به نوشتن آن مقاله شد، این بود که در حقوق بشر اساساً اصالت و مرجعیت با روابط انسانی‌ای که از زمین می‌آید، استنتاج می‌شود. بر این اساس ما انسان محق، انسان حق‌دار داریم و نه انسان مکلف، یعنی انسانی که تکلیف دارد. تکلیف از قوانین آسمانی استنتاج می‌شود و حق را محدود می‌کند.

به همین دلیل ساده، یکی از پیام‌های جنبش اخیر و صداها‌ی عمومی که در ایران فارغ از اراده‌ی برخی از رهبران معنوی‌اش دارد فریاد می‌شود، جدایی دین از دولت است و به همین دلیل مذهب را امری خصوصی و نه عمومی تلقی کرده‌اند.

حقوق بشر تنظیم روابط مابین انسان‌ها است و نه آنچه از آسمان نازل می‌شود. تعارض اصلی قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز در همین نهفته است.

به باور من، آیتی نظیر منتظری، با رفرم و تلطیف این قوانین فقهی، سعی در امروری جلوه دادن آن‌ها داشتند. آیتالله منتظری بر مبنای جهان‌نگری‌اش هرگز نمی‌توانست با مجازات اعدام و یا مجازات‌های فقهی‌ای مانند سنگسار مخالف باشد. اما سعی می‌کردند با تجدیدنظر و سنگاندا‌زی پیش پای مقررات، این مقررات را آنقدر سخت کنند که نشود سنگسار را به اجرا درآورد یا حکم‌اش را صادر کرد. اما هرگز با این حکم مخالفت نکردند.

یا کسان دیگری مانند آیتالله صائمی که به لحاظ فکری خیلی به آیتالله منتظری نزدیک هستند، اخیراً عنوان کرده‌اند که اگر کسی خدا و دین را انکار کرد، ما نباید بلافاصله حکم مرتد را به وی ببخشیم، بلکه با ادله‌ی عقلانی او را مجاب کنیم. بعد اگر نپذیرفت و زیربار نرفت، آن‌وقت ادله‌ی عقلانی داریم برای توجیه اعدام شخصی‌اش.

در نامه‌ای که در کتاب‌ام برای آقای منتظری نوشته‌ام، شرایط ارتداد را از ایشان سوال کردم، که در کتاب تماماً آمده است. ایشان در پاسخ به من گفتند که «ارتداد شرایطی دارد؛ از جمله اثبات این که حق برای این شخص روشن و مبین است یا خیر؛ یا این که او از روی عناد آن را انکار می‌کند». به باور آقای منتظری، اگر کسی از روی عناد و ستیز به انکار برخیزد، می‌توان حکم ارتداد در موردش صادر کرد.

بنابراین کسی که در اصلی‌ترین مبنای حقوق بشر، یعنی مجازات غیرانسانی اعدام، بر اساس جهان‌نگری‌اش باور دارد، چگونه می‌تواند پدر حقوق بشر در ایران باشد؟ ما اجازه نداریم در فضایی جوزه، تاریخ را گونه‌ای دیگر روایت کنیم و دست به تحریف آن بزنیم. مهربانی یک شخص نمی‌تواند منجر به آن شود که ما با آن به توضیح و تبیین مبانی حقوق بشری دست بزنیم. نمی‌توان با منطق مهربانی‌گوشی نوتردام، او را ملکه‌ی زیبایی خطاب کنیم. در آن صورت، قطعاً ظمی جبران‌ناپذیر به ملکه‌ی زیبایی کرده‌ایم.

به همین دلایل، من سهم آقای منتظری را آن جایی که در سال ۶۷، در مقابل آقای خمینی می‌ایستند، مصلحت‌اندیشی نمی‌کنند و اعتراض خود را بیان می‌دارند، سهم کوچکی نمی‌دانم. این سهم کوچکی نیست؛ اما فکر می‌کنم، آن را نباید با مسایل دیگر مخلوط کنیم، غلو کنیم و تاریخ دیگری را بسازیم.

آنچه که در ۳۰ ساله‌ای اخیر درگیر آن بوده‌ایم؛ ما مرتب دچار پراگماتیسم سیاسی شده‌ایم و خود این مسئله یک بار دیگر نشان می‌دهد که چقدر زمین ایرانی مناسب کشت ناراستی‌های تاریخی است. این غلو و

اغراق‌گویی و این فضای سجزده، اساسا با آنچه مبارزات مردم ایران است، در تعارض است.

دوپچه وله: دیروز در اینترنت بحثی باز شده بود که نیابستی از آقای منتظری مانند آقای خمینی بت ساخت. صحبت‌های امروز شما نیز به گونه‌ای بیان‌کننده‌ی همین نظر است و در نوشته‌تان هم آن را مطرح کرده‌اید. اما فکر نمی‌کنید که مردم در برهه‌هایی از زمان و یا در بخشی از جنبش، نیاز ویژه‌ی روانی به این غلو کردن دارند؟

مهدی اصلانی: فضای جوزه ممکن است در کوتاه مدت جواب بدهد، ولی قطعا در ادامه‌ی مبارزات مردم ایران که اساسا رهبری آن غیرمتمرکز است و می‌توان آن را جنبشی خودجوش و رنگین‌کمانی نام نهاد، با این نظر نمی‌توانم تفاهم داشته باشم. به دلیل اینکه این بزرگ نمایی و روایت ناراست از تاریخ، در ادامه‌اش رهاوردی جز مخدوش کردن حافظه‌ی جمعی ندارد.

اساسا وقتی فضای راهبیمایی به وجود می‌آید، شعار حرف اول می‌شود. جنبش مدنی و جنبش عمومی‌ای که در ایران شاهد آن هستیم، از این مرحله عبور کرده و ما باید یک بار برای همیشه با این مرحله تعیین تکلیف کنیم.

کسانی که می‌گویند آقای منتظری از آغاز در برابر نقض حقوق اساسی مخالف ایستاد، مثل آقای گنجی، به باور من تاریخ را از جایی آغاز می‌کنند که این رنج انسانی و این اعتراض نسبت به خودشان شروع شده است. یا کسانی دیگری که ایشان را پدر حقوق بشر خطاب می‌کنند، راه خطا می‌روند و من فکر نمی‌کنم در حال حاضر، این فضا سازی و غلو نیاز مردم ایران و نیاز جنبش ما باشد.

ضرب و شتم جوانان و دانشجویان ایرانی توسط محافظین سفارتی در برلین

دیروز تعداد زیادی از ایرانیان شهر برلین به دعوت شبکه جوانان ایرانی در برلین، برای اعتراض به سرکوب بیرحمانه تظاهرات مردم در روز عاشورا، مقابل مرکز فرهنگی اسلامی ایرانیان که وابسته به سفارت جمهوری اسلامی است، جمع شدند. همراه این تجمع تعدادی از فعالین ایرانی و از جمله برخی از اعضای شبکه جوانان ایرانی برای اعتراض به مراسم‌هایی که سفارت ایران در برلین برای حمایت از دولت کودتا برگزار میکند به داخل برنامه شام غربی سفارت رفتند و با نشانه‌های سبز و سخنان اعتراضی علیه سرکوب بیرحمانه مردم ایران در روز عاشورا، اعتراض خود را اعلام کردند. اما اعتراض دانشجویان و جوانان درون مراسم با حمله شدید مأمورین و محافظینی که برای سرکوب معترضین از سوی سفارت فراخوانده شده بودند مواجه شد. مینا محبوبه خانی، سیدة خاکسار، مریم میرزا، امید ابراهیمی و پویان محمودیان از فعالین شناخته شده دانشجویی و جوان ایرانی بودند که مورد حمله نیروهای امنیتی سفارت قرار گرفتند که از میان ایشان مینا محبوبه خانی و پویان محمودیان مورد ضرب و شتم شدید قرار گرفتند. همینطور مزدک شالگونی و بهادر نیکفر از اعضای فعال شبکه جوانان ایرانی که تازه وارد مراسم شده بودند، برای جلوگیری از ضرب و شتم به طرف دوستان دیگر رفتند که با ضربات مشت و لگد محافظین مواجه شدند. در همین هنگام مأمورین پلیس با اطلاع رسانی هزیر پلاسچی دیگر فعال شبکه جوانان ایرانی، به درون مراسم رفتند و با مداخله از ادامه ضرب و شتم معترضین جلوگیری کردند.

شرکت کنندگان در تجمع اعتراضی نیز برای پشتیبانی از کسانی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته بودند به پلیس علیه ضاربین اعتراض کردند و همان شب بیش از ده شکایت علیه ایشان به پلیس آلمان اعلام شد.

تجمع اعتراضی حدود ساعت ده شب به پایان رسید. اما همه شاکیان به همراه چند تن از شاهدین و فعالین با همراهی پلیس در مقابل ساختمانی که مراسم سفارت در آن برگزار شده بود حاضر شدند و پلیس آلمان پس از بیرون آمدن تک تک شرکت کنندگان مراسم از شاکیان خواست تا ضاربین را از بین آنها شناسایی کنند. سرانجام تعدادی از آنها پس از گذشت بیش از دو ساعت شناسایی شدند و نام و نشانشان در پرونده شکایات معترضین قرار گرفت.

شبکه جوانان ایرانی در برلین

هدشار، جمهوری اسلامی در پی کاربرد بمب شیمیایی و ترورهای وسیع در تهران است

محمود قزوینی

سایت تانناک در مطلبی در روز ۸ دی از کشف باندهای توزیع سلاحهای ویژه ترور در تهران خبر داده است که باصطلاح برخی از آنها توسط نیروهای امنیتی حکومت دستگیر شده اند. بنابر بر این خبر این باندها از جمله به سلاحهای شیمیایی برای ترور مجهزند. این سایت در پایان مطلب به طور روشنی هدف این ترورها را سیاسی دانسته و با انتساب ساخت سلاحها به انگلیس و اسرائیل، هدف از کاربرد این ابزارهای ترور را "ایجاد اختلافات و شکاف داخلی، ایجاد نا آرامی ها و نا امنی های مستمر و..." دانسته است. ما مخالفین حکومت اسلامی میدانیم که این باندهای ترور، به جز باندهای حکومتی و وزارت اطلاعات کسی دیگری نیست و همه خوب میدانند کاربرد چنین سلاحهای وحشتناکی بر علیه مردم معترض و برای ایجاد وحشت در میان شهروندان و معترضین فقط از جمهوری اسلامی ساخته است. انتساب این ترورها از قبل به انگلیس و اسرائیل و یا هر کشور دیگر هم کار همیشگی این رژیم است. ربط دادن این سلاحهای ترور به مسئله اعتراضات و تظاهراتهای اخیر دست سایت تانناک و رژیم را در این مورد رو میکند. ما این رژیم را میشناسیم، اینها حتی شاید در تظاهرات سازماندهی خودشان این کار را انجام دهند تا مقدمه حمله وسیع به مردم و کشتار آنها را آماده سازند.

حکومت جمهوری اسلامی در مقابل جنبش میلیونی آزادیخواهانه مردم راه چاره ای جز سرکوب ندارد. سرکوبگرهای این حکومت محدود به سرکوبها و وحشیگریها در برخورد به تظاهراتها و دستگیری فعالین و کشتار و تجاوز و شکنجه در زندانها نمیمانند، بلکه شیوه های پیچیده ایجاد رعب و وحشت و نا امن کردن کل ارکان جامعه شیوه هایی است که ما در طول این ۳۰ سال از این رژیم دیده ایم. بمب گذارهای بزرگ در معابر عمومی پر رفت و آمد در سالهای اوائل دهه ۶۰ را همه ما به خاطر داریم و همه میدانستند که این بمب گذارها کار رژیم است. فقط نمونه بمب گذاری در محل امام رضا در مشهد توسط وزارت اطلاعات رژیم که به سعید امامی نسبت داده شده بود، در اثر اختلافات جناحی از پرده بیرون افتاد خود گویای روشن همه چیز است. نمونه اعتراضات وزارت اطلاعات به ترورها توسط نیروهای آن وزارتخانه که تحت فشار مردم و جناح اصلاح طلب ۲ خرداد صورت گرفت، فقط چند نمونه از عملیاتهای تیمهای ترور رژیم را از پرده بیرون انداخت. از میان دهها ترور در خارج کشور که چند نمونه آن کاملا افشا و به دستگیری تیمهای ترور انجامید، ترور در رستوران میکونوس در آلمان بزرگترین رسوایی را برای رژیم به بار آورده است که گیر افتادن تیمهای ترور رژیم موجب افشای دست داشتن مستقیم سران رژیم و سران سپاه پاسداران گردیده و حکم تعقیب آنها توسط دادگاه میکونوس صادر شده است.

امروز که جنبش توده ای مردم بر علیه رژیم جمهوری اسلامی می‌رود که کار رژیم را یکسره کند و روز ۶ دی روز عاشورا، این جنبش شکست رژیم را جلوی چشمانش گذاشت و برتری نیروی خود را از هر نظر به آن نشان داد، امکان اینکه این رژیم در روزها و هفته های آینده دست به عملیات خطرناک مانند بمب گذارها و ترورهای مخصوص با وسعت توده ای بزند زیاد است. این حکومت همانطور که تیراندازی و کشتار مردم را به مردم نسبت میدهد، بمب گذارها و کاربرد بمب های مخصوص و ترورهای وسیع را هم به مردم و نیروهای اپوزیسیون و جناح جدیدا رانده شده حکومتی یعنی موسوی و کروبی و ... نسبت خواهد داد.

ما شیوه های این حکومت را خوب میشناسیم. در روزنامه ها خبر از ترور و کشتار توسط دیگران میدهند و بعد آن را عملی میکنند. ما مخالفین رژیم شک نداریم حکومت در تدارک چنین ترورهایی است که سایت تانناک و کیهان و دیگر مطبوعات رژیم از آن حرف میزنند. با افشاکاری وسیع باید مانع این ترورها شد و توده های مردم را از این توطئه ها آگاه ساخت. آگاهی و نیروی توده های وسیع مردم در ایران و جهان، میتواند این توطئه رژیم را نیز خنثی سازد. ۲۹ دسامبر ۲۰۰۹

گزارش یکی از مادران عزادار از روز عاشورا

عاشورا؛ امروز مردم نشان دادند که به هر آنچه بخواهند میتوانند دست یابند و اکنون به نقطه ای رسیدند که میگویند ولایت را نمیخواهند!

از خانه که بیرون زدیم کمی تردید داشتیم، بخاطر سرکوب روز گذشته و مردمی که کمتر به خیابان آمده بودند. به آرامی گام برمیداشتیم نزدیک پل عابر پیاده که رسیدیم یکی از ماموران شدت ما را برانداز میکرد بویژه یکی از همراهان جوان ما را، هر لحظه بیم آن میرفت که جلوی ما را بگیرند! باتفاق توانستیم از آن جا بگذریم. وقتی از پله برقی بالا رفتیم دیدیم نگاهی به پایین انداختیم، دیدمش که به دنبال ما میاید توانستیم در بین مسافران اتوبوس رد گم کنیم و پیاده به سوی میدان انقلاب راه افتادیم.

زنان و مردان زیادی را دیدیم که آنها هم مثل ما راه افتاده بودند با تبسم های شیرین در گوشه لب به شکل سلام ما نیز در گوش هم پیچ و پیچ میکردیم، که ایا اینها نیز برای تظاهرات میروند؟

آری آنان نیز با ما بودند. هر چه بیشتر میرفتیم سیاهی جمعیت نیز بیشتر میشد و چشمان ما برق شادی میزد.

آنقدر جلو رفتیم تا به جایی که دیگر در کنار تظاهر کنندگان قرار گرفتیم تمام عرض خیابان پر از جمعیت بود و طول آن ناپیدا..... با جمعیت همراه شدیم و با شعار مرگ بر دیکتاتور شروع کردیم در کنار دیگر شعاری که دوستان دیگرمان میدادند هر کس میتواند یک لیدر باشد هر شعاری که با صدای بلند گفته میشد با صدای دیگران تکرار میشد. حضور زنان مثل همیشه بی سابقه بود و بیشتر از هر قشری، این زنان بودند که به شعار مرگ بر خاتمه ای اصرار می ورزیدند. کودکی سه ساله نیز در آغوش پدرش دستش را به علامت V بالا برده بود وجود آن کودک همه را نگران میکرد که در مقابل یورش نیروهای نظام چه بر سر آن بچه خواهد آمد!

هجوم نیروها که با زدن گاز اشک آور شروع شد، بخشی از جمعیت را به خیابان های فرعی کشاند. همه جا مردم بودند و مردم! خبری از عاشورا به شکل سنتی آن نبود همه نشانه ها به سوی ولایت فقیه بود.....

مقاومت و ایستادگی مردم بی نظیر بود، به محض زدن گاز اشک آور به سرعت آتش درست میکردند و با آتش زدن کاغذ و مقوا دود براه می انداختند همه کمک میکردند که بیشتر از این آسیب نبینند. در قسمتهای دیگر شهر خبر از درگیریهای بیشتر بوده بعضی با بهت نگاه میکردند، به نظر میرسید تازه از خواب سی ساله برخاسته اند و شاید هم برایشان فرقی ندارد که این باشد یا آن چرا که سفره شان همیشه رنگین و سفره هایشان چه در ایران و چه در خارج همیشه رو به راه غصه مواد مخدر شان را نیز ندارند چرا که بهترین نوع آن با پیک پستی به در خانه شان میروند.

زنان چادری زیادی در بین مردم دیده میشد و جوانانی که بنظر میرسید بسجیند، ولی نبودند.

صدای تیر اندازی شنیده میشد..... که ما فکر میکردیم تیر هوایی است ولی نبود.....!

مردم یکصدا نیروهای سرکوبگر را مورد خطاب قرار میدادند و میگفتند: جیره خوار باج گیر بسیجی برو گمشو و آنها عقب نشینی میکردند، و بعد از تجدید قوا دوباره باز میگشتند. اما مردم مثل یک سد در مقابلشان ایستادگی میکردند و عده ای که میدیدند ناجوانمردانه باتوم میخورند برای مقابله به سنگ متوسل شدند و زنتی که هر کدام برای دفاع از خود پاره سنگی در دست گرفته بودند غیر از این چه باید میکردند، بایستند و بیبند که اطلاعاتی ها آنها را زیر مشت لگد بگیرند فرزندان شان را با باتوم بزنند و همسرانشان را هدف گلوله مستقیم قرار دهند این حداقل کاری بود که در آن شرایط یک زن میتواند انجام دهد.

کسی میگفت اعراب در آن زمان جاهلیت، ماه محرم شمشیر را بر زمین میکشادند اما اینها مردم را مورد ضرب و شتم قرار میدهند. و حق این کار را ندارند کدام حق؟! اینان خود را صاحب این آب خاک میدانند و تمام سرمایه های آن را بالا کشیدند و ویرانه ای را بر جای گذاشتند. ما باز هم در حال جنگ و گریز به صف مردم پیوستیم. بیشتر راهها بسته بود، عده ای در کنار پیاده رو عکس و

فیلم میگرفتند و با مردم بودند ولی هنوز جرات ابراز نداشتند برآستی که دل شیر میخواد که در بین این همه سرکوبگر که انواع سلاح گرم و سرد را دارند بروی بیت بزرگ را به زیر بکشی.....

هر چه به ظهر نزدیک میشدیم فشار سرکوب گران بیشتر میشد همه جا دود بود تضاد بین خودشان مشهود بود. عده ای نیروی انتظامی در مقابل مقرشان دست به سینه جمعیت را نگاه میکردند مردم نیز از آنها حمایت می خواستند. ما سعی میکردیم در عین حال که با جمعیت همراه هستیم مسیر خانه هایمان را برویم و تجمع را به کوچه ها یمان بکشانیم و توانستیم در حالی که چند نفر بودیم مرگ بر دیکتاتور بگوییم و عده ای نیز همراهیمان کردند. به خیابان آذر بایجان که رسیدیم حضور لباس شخصی ها مشخص بود. یکی از اهالی آنجا بمن گفت: مراقب شخصی که در کنارت ایستاده باش وقتی نگاهش کردم، اولین چیزی که توجه ام را جلب کرد ریشی بود که بعد از سالها اصلاح شده بود و سفیدی از روی صورتش مشخص، او نیز رویاهی بیش نبود و میدانست که امروز با ریش نمیتواند اطلاع رسانی کند. چون من آتش دوری میکردم خوشحالم که مردم هشیارند و به موقع به یک دیگر هشدار میدهند. به خیابان خودمان رسیدیم آن جا نیز آتش درست کرده بودند. موتور سوارها یک بار هجوم آوردند که به خانه هایی که دربشان باز بود پناه گرفتیم. نزدیک خانه حوالی طوس نیروهای لباس سیاه مستقر شدند و برای سلامتی رهبر و آقا امام زمان دعا میکردند، که مورد تمسخر مردم بویژه خانمها قرار گرفتند. آنها توانستند بزور سر نیزه اوضاع را آرام کنند. دلمان نمی خواست به خانه باز گردیم اما بیشتر از این جایز نبود چون در محل شناسایی میشدیم. به امید پیروزی و قرارهای بعدی از دوستانمان جدا شدیم. اگر چه خوشحال از اینکه کمرش را شکسته بودیم، اما متاسف از اینکه دوستان زیادی را از دست دادیم و یا در بند گرفتار!

ما قرار گذاشته بودیم که هر کدام از ما که بر زمین افتاد، دیگری برخیزد و ما چون سرو همچنان ایستاده ایم.

به امید پیروزی.....

گزارش یکی از مادران عزادار از روز عاشورا

۶ دی ۱۳۸۸

انتشار: فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران

.....
خانواده ها از اعلام اسامی ۶۰۰ نفر از بازداشتی ها خبر می دهند تغییر برای برای - طی دو روز گذشته مردم در گروه های دوست، سیصد نفری به اوین مراجعه کرده اند و جویای حال و روز عزیزان خود از مقامات زندان شده اند. روز چهارشنبه، ۹ دی ماه در هجده صفحه اسامی زندانیان را (حدوداً ششصد نفر) به خانواده ها اعلام کردند و به آن ها برگه ای دادند که مشخصات زندانی شان را در آن بنویسند.

در این دو روز بارها از خانواده هایی که آنجا تجمع کرده اند فیلم و عکس گرفته اند و علیرغم اعتراض خانواده ها همچنان به کار خود ادامه داده اند.

مادر یکی از جوانان که در خیابان انقلاب دستگیر شده می گوید: «ما ساعت ۹ صبح حوالی دانشگاه تهران خیابان قدس از سه پسرمان جدا شدیم. چون همه راه ها به خیابان انقلاب مسدود شده بود. و جوانان از پیاده رو به طرف انقلاب حرکت کردند. ما دیگر از بچه ها خبر نداشتیم تا ۱۲ شب. یکی از پسرهایم زنگ زد و گفت مرا به اوین می برند. گفتم از کجا زنگ می زنی؟ گفت: این موبایل راننده ماشین است که هنوز جایی پیدا نکرده که ما زندانی ها را ببرد و به ما اجازه داده که به خانواده هایمان زنگ بزنیم. و به ماگفت: تعداد ما زیاد است.»

او در ادامه اضافه کرد: «وقتی بچه های دیگرم به خانه آمدند درباره نحوه دستگیری برادرشان گفتند: ما فقط کنار پیاده رو حرکت می کردیم هنوز تظاهراتی شکل نگرفته بود و یک نیروی گارد ویژه از آن طرف خیابان آمد و کله برادرمان را گرفت داخل ماشین کرد، هر چه ما اعتراض کردیم فایده ای نداشت.» این مادر می گوید: «به جوان ها خیلی حساس بودند و ما از دور دیدیم که جوانان دیگر را هم که از آن جا رد می شدند دستگیر می کردند. جرم آن ها جوانی است. همین.» برگرفته از سایت خبری راه کارگر.

یک جوان دیگر کورد اعدام شد.

اتحادیه خانواده فعالین دربند کورد: صبح دیروز (چهارشنبه) اردشیر کشاورز جوان ۳۵ ساله ی کورد، در زندان کرمانشاه به دار آویخته شد. نامبرده که به جرم درگیری با پلیس محکوم به اعدام شده بود، از ۶ سال پیش در زندان به سر میبرد. گفته میشود هم بندهای وی در اعتراض به اجرای حکم اعدام، شعار سر داده و از همین روی ۱۵ تن از آنان به مکان نامعلومی انتقال داده شده اند. اردشیر کشاورز ۳۳۴ مین قربانی پدیده ی ضدبشری اعدام در ایران در سال ۲۰۰۹ میلادی میباشد.

روزنامه نگار کرد

به اتهام تجزیه طلبی بازداشت شد.

کیوان مهرگان روزنامه نگار کورد اهل اسلام آباد کرمانشاه به اتهام تجزیه طلبی بازداشت شد. این فعال فرهنگی- ادبی که چندی پیش کتاب مجموعه اشعارش به چاپ رسید، در روزنامه ی اعتماد مشغول به کار بود. کیوان مهرگان متهم به جداخواهی کردستان و اطلاع رسانی به نفع جنبش سبز میباشد. گفتنی است تجزیه طلبی از آن دسته اتهامات ساختگی است که حکومت های مرکزی ایران در هر دوره ای بر فعالان فرهنگی، ادبی، مدنی و سیاسی کورد زده اند تا این راه گریزی باشد بر پاسخگویی به خواست های دموکراتیک ملت کورد و توجیهی بر سرکوب خونین این جمعیت ۲۰ میلیونی.

۱۶ روز از اعتصاب غذای رمضان احمد میگذرد.

اتحادیه خانواده فعالین دربند کورد: تازه ترین اخبار واصله از زندان مرکزی قزوین حاکی از آن است که از ۱۶ روز پیش رمضان احمد زندانی سیاسی کورد در اعتصاب غذا به سر میبرد. نامبرده که بیش از ۵ ماه است مکرراً تقاضای معالجه میکند، با بی توجهی مسئولین روبه رو شده و به همین علت ۱۶ روز است که در اعتصاب غذای نامحدود به سر میبرد. تاکنون هیچ خبری مبنی بر پذیرفته شدن خواسته ی وی که معالجه ی پزشکی است، دریافت نشده است. رمضان احمد جوان ۲۸ ساله ی کورد اهل شهر کوبانی غرب کردستان و شهروند سوریه میباشد. او پیش از این به جرم اقدام علیه امنیت ملی ایران از طریق عضویت در حزب کارگران کردستان (PKK) به اعدام محکوم شده بود. اندکی پس از اعدام شهید احسان فتحیان، این حکم از سوی دادگاه تجدید نظر به ۱۰ سال حبس تقلیل یافت.

نامگذاری نوزادان کامیاری به یاد شهید احسان بنا به گفته ی یکی از کارمندان اداره ی ثبت احوال شهرستان کامیاران، بسیاری از خانواده های این منطقه نام نوزادان خود را به یاد شهید احسان فتحیان، "احسان" نامگذاری کرده اند. این منبع معتمد فاش کرد طی یک و نیم ماه گذشته، شناسنامه ی بیش از هفتاد نوزاد به نام "احسان" صادر شده است. بدون شک این اقدام مردمان منطقه نشان از آزادمندی آنان و ارادت خاص به رهروان راه آزادی دارد. بی گمان مرگ شهید احسان اشارتی بود به حیات احسان های دیگر.

بازداشت شهروندان کورد در سقز

اتحادیه خانواده فعالین دربند کورد: در پی تشدید فضای امنیتی حاکم بر کردستان، موج بازداشت های خودسرانه ی شهروندان این خطه قوت دوباره یافته است. هفته ی گذشته سه تن از شهروندان کورد اهل سقز به نام های کاوه غفاری، کامل فتاحی و اسکندر رسولی آذر از سوی نیروهای امنیتی اطلاعات بازداشت شده اند. پیش از این نیز جمال امینی، علی امینی و عباد شیخی بازداشت شده بودند. شماری نیز به اطلاعات این شهر احضار شده اند. تاکنون از اتهامات وارده و محل نگهداری این افراد اطلاعی در دست نیست. از سوی دیگر حسن اشعری که ماه گذشته از سوی اطلاعات نرده بازداشت شده بود، پس از گذراندن مراحل بازجویی در تک سلولی اطلاعات، به زندان مرکزی مهاباد منتقل شد. تاکنون از اتهامات وارده اطلاعی در دست نیست.

مرکز اطلاع رسانی اتحادیه خانواده فعالین دربند کرد

www.WireyZindan.blogspot.com

WireyZindan@gmail.com

۱۰ دی ۱۳۸۸

جمهوری اسلامی ایران!

گزارش امشب احمقانه تر و مضحک تر از هر شب.

براستی یک برنامه ساز تا چه حد از شعور و آگاهی بهره برده که با وجود چنین امکانات و پشتیبانی که دولت کودتا در اختیارش گذاشته همچین برنامه مسخره ای رو با عنوان ۲۰:۳۰ به نمایش بگذارد. اول از همه که از کشته شدگان و دستگیر شدگان روز عاشورا هیچ گزارشی نداد.

دوم اینکه از تعدادی از بسیجیانی که به مردم حمله کردند و زخمی شده بودند و در بیمارستان بودند گزارشی تهیه کرد و از آنها به عنوان عزادارانی یاد کرد که در دسته بودند و عزادری میکردند. چهره اینان بسیار واضح و مشخص بود و نیازی به توضیح نیست.

سوم اشاره ای به شهید شدن برادر زاده مهندس موسوی که خیرش رو در هر کوچه و پس کوچه ی میتوان یافت نکرد. براستی که سیاست های دیکته شده دیکتاتور احمق را در لحظه به لحظه این برنامه حس میکنیم. و خداوند را ممنونیم تا دشمنانمان را احمق آفریده. دوشنبه ۲۸ دسامبر ۲۰۰۹

تهدید مردم،

توسط رژیم با ایجاد گروههای خودساخته ضربت افراطی

پارسینه

یک گروه ناشناخته در قم تحت عنوان «استشهادیون شهاب ثاقب» اعلام موجودیت کرد. به گزارش جهان به نقل از پارسینه این گروه بیانیه اعلام موجودیت خود را در تجمع روز دوشنبه در قم که برای محکوم ساختن اهانت کنندگان به عاشورا برگزار شد به صورت اینترنتی منتشر و اعلام کرد: «ما ۷ روز و فقط ۷ روز به مسنولان قضائی فرصت می دهیم تا آتش فتنه را خوابانند و پس از آن در هر مراسم و مناسبتی و در هر مکانی که باشد سران متافق آشوبگر را به سزای اعمال ننگین خود خواهیم رساند. البته مسنولان می توانند این بیانیه را جدی نگیرند و چون گذشته به تعلل و سستی خود ادامه دهند اما زمانی که پاره ای بدن مطهر استشهادیون بدن های نجس سران فتنه را از روی زمین پاک کرد و غریب شادی و فریاد و خوشحالی امت حزب الله به پا خاست به میزان جدی بودن این تشکل و هدف مقدس ما پی خواهند برد...» سایت اصولگرای جهان می افزاید: «رشد سرطانی و قارچ گونه گروههای خودسر و افراطی در شرایط کنونی در هر دو سوی قطب بندی های فعلی متأسفانه دور از احتمال نیست و پیامدهای وخیم فراگیر شدن این فعالیت های خودسرانه و خارج از چارچوب قانونی و معقول فراتر از حد تصور است... در این میان نکته ای که باید مورد توجه قرار گیرد این است که جز نهادهای امنیتی و قانونی کشور کسی صلاحیت و وظیفه برخورد یا شفاف سازی و اقعاع امنیتی افکار عمومی را ندارد.»

۱۰ دی ۱۳۸۸

* پیوندها *

سردبیر نشریه: منصور نجفی

mansour.nadifi@telia.com

ایمیل روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

۳۳-۱-۴۳۴۵۵۸۰۴

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت خبری راه کارگر

http://rahekargar.wordpress.com

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etehadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargaran.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه: مقالاتی که با کد "دیدگاه" مشخص میشوند، الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند.